



• یادداشت •

• علی‌رضا حیدری •

## درخت نوپای انقلاب و مجاهدات کار گران

وقتی خاطرات انقلاب ۵۷ را ورق می‌زنیم، بی‌شک به نقش و حضور همه اقشار جامعه در این انقلاب بزرگ و شکوهمند پی می‌بریم. حضور پررنگ و گسترده آحاد مردم جامعه اعم از دانشجویان، بازاریان، اصناف، کشاورزان، مصلمان، نظامیان، کارمندان، زنان، مردان، روحانیون و البته کارگران در یک صف واحد و با رهبری واحد سبب شد که فریادها به هم پیوند بخورد و طنین انقلاب با شعار واحد استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی سراسر کشور را فرا بگیرد. امروز در آستانه فرارسیدن سی و هشتمین سال پیروزی انقلاب اسلامی یادآور و شاهد رشادت‌ها و ایثارگری‌ها و ازخودگذشتگی‌های ملتی هستیم که در مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی حاضر شد از جان و مال خود بگذرد و با حضور خود اثبات کند که به هیچ قیمتی از آرمان‌ها و خواسته‌های خود عقب نخواهد نشست. پافشاری ملت به شاه و ایادی او ثابت کرد که دیگر جایی برای آنها وجود ندارد.

این ملت به پشتوانه ایمان و رهبری و فرهنگ عاشورایی، که شهادت را عین زندگی می‌داند، تصمیم گرفت نظام نوینی از حکومت را مستقر کند که پایه‌های آن قسط و عدل و حمایت از محرومان و مستضعفان است. ایادی رژیم شاهنشاهی طی سال‌های ۵۶ و ۵۷ با‌رها و بارها با یورش بردن به صفوف یکپارچه و مستحکم تظاهرکنندگان در اقصی نقاط کشور آنان را به خاک و خون کشیدند. ولی هیچ‌گاه بر اراده آنان فائق نیامدند چراکه ملت ایران عزم کرده بود ریشه فاسد حکومت ستم‌شاهی را بشکاند و آن را به گورستان تاریخ بسپارد. حکومتی که سالیان سال با سرکوب آزادی، جوانان را به شکنجه‌های «ساواک» سپرده و آنان را زیر شدیدترین و وحشیانه‌ترین شکنجه‌های قرون‌وسطایی به شهادت می‌رساند. طی دوران مبارزه، اقشار گوناگون با امکانات و توانایی‌های خود چهره مبارزی تمام‌عیار را به خود گرفتند، ولی شاه باور نداشت که مجبور به ترک ایران و سلطنت شود تا اینکه دی‌ماه ۵۷ کارگران صنعت نفت شیرهای نفت را بستند. درست در همین دوران بود که حضرت امام (ره) در یکی از سخنرانی‌های خود با توجه به اینکه نفت ایران به رژیم صهیونیستی صادر می‌شد، فرمودند این وضعیت با منافع ملی ایران سازگار نیست. به این ترتیب بود که اعتصاب کارکنان صنعت نفت رفته‌رفته رنگ و بوی دیگری یافت و اعتراضات صنعتی تبدیل به خروش سراسری شد. اعتصاب کارکنان صنعت نفت در سال ۵۷ از دو منظر رژیم روه‌ن‌وال پهلوی را تحت فشار قرار می‌داد. نخست بستن گلوگاه‌های تولید نفت بود که قطع شریان‌های اقتصادی حکومت به شمار می‌رفت و دیگر حضور منسجم و یکپارچه کارکنان صنعت نفت در میان معترضان و انقلابیون کشور بود که موجب انسجام فکری اعتصاب‌کنندگانی می‌شد. کم‌کم این اعتراض‌ها شکل سازمان‌یافته‌تری به خود گرفت و با تشکیل کمیته سازمان‌دهندگان اعتصاب صنعت نفت شکل و ابعاد تازه‌ای پیدا کرد. در این راستا کارگران اعتصابی به‌جز تضمین تولید برای پاسخگویی به نیازهای داخلی، از تولید نفت مراد جلوگیری کردند. رژیم که تصور می‌کرد با به‌کارگیری بازنیست‌سگان این صنعت قادر خواهد بود جریان تولید نفت را از سر بگیرد، ابتدا از آنها تقاضای کمک کرد که با بی‌اعتنایی روبه‌رو شد. پس از آن رژیم از نظامیان کمک گرفت که باز هم موفق نشد و درنهایت به ابزار خشونت متوسل شد که آن نیز کارساز نبود. سرانجام شاه به قطع نفت تن داد و به دنبال آن در ۲۶ دی‌ماه سال ۵۷ کشور را ترک کرد.

پس از این اتفاق، پایه‌های رژیم ستم‌شاهی یکی پس از دیگری منزلزل شد و فروپاشید، همان‌طور که رئیس‌جمهور وقت آمریکا در آن زمان گفته بود: «قطع نفت به معنای قطع زندگی است.» این اتفاق در کنار برخی حوادث دیگر سرانجام انقلاب اسلامی را در بهمن همین سال به پیروزی رساند و ملت مسلمان و مبارز و آزادی‌طلب ایران مزد مقاومت و مبارزه خود را گرفت. بدین ترتیب عمر رژیم ۵۰ساله پهلوی با تلاش‌ها و مجاهدات‌های انقلاب به پایان رسید. بی‌شک نقش این کارگران در صنوف مختلف و به‌خصوص صنایع نفت در پیروزی نهایی و به ثمر رسیدن درخت انقلاب بی‌بدیل و انکارناپذیر است.

بی‌سبب نبود که حضرت امام (ره) آن زمان طی بیانیهای (نقل به مضمون) فرمودند: «اینجانب از اعتصاب‌کنندگان در سراسر کشور و به‌خصوص از اعتصاب‌کنندگان شرکت نفت تقدیر می‌کنم و پشتیبانی خود را از آنان اعلام می‌دارم و اقدامات دادگاه‌ها و دولت نظامی غاصب را در قضا به آنان برای شکستن اعتصاب تقبیح می‌کنم.»

نایب‌رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

## تعطیلی واحدهای تولیدی خط قرمز تامین اجتماعی است

در پی درج مطالبی در فضای مجازی، مبنی بر تعطیلی «شرکت کنتورسازی ایران» به دلیل بدهی‌های بیمه‌ای، معاون فنی و درآمد سازمان تامین اجتماعی با بیان اینکه این شرکت برای استفاده از قانون بخشودگی جرائم بیمه‌ای، مراجعاتی به سازمان تامین اجتماعی داشته است اظهار داشت: «مساعدت‌های لازم نیز برای تقسیط اصل حق بیمه این شرکت انجام‌شده اما مسئولان شرکت هنوز مدارک مورد نیاز را به تامین اجتماعی ارائه نکرده‌اند.» محمدحسن زدا بسته شدن واحدهای تولیدی در خط قرمز سازمان متبوع خود خواند و افزود: «سازمان تامین اجتماعی اجازه نمی‌دهد هیچ واحد تولیدی به دلیل بدهی بیمه‌ای تعطیل شود.»

در پی درج مطالبی در فضای مجازی، مبنی بر تعطیلی «شرکت کنتورسازی ایران» به دلیل بدهی‌های بیمه‌ای، معاون فنی و درآمد سازمان تامین اجتماعی با بیان اینکه این شرکت برای استفاده از قانون بخشودگی جرائم بیمه‌ای، مراجعاتی به سازمان تامین اجتماعی داشته است اظهار داشت: «مساعدت‌های لازم نیز برای تقسیط اصل حق بیمه این شرکت انجام‌شده اما مسئولان شرکت هنوز مدارک مورد نیاز را به تامین اجتماعی ارائه نکرده‌اند.» محمدحسن زدا بسته شدن واحدهای تولیدی در خط قرمز سازمان متبوع خود خواند و افزود: «سازمان تامین اجتماعی اجازه نمی‌دهد هیچ واحد تولیدی به دلیل بدهی بیمه‌ای تعطیل شود.»



• نسرین ظهیری •

• خبرنگار •

شش‌بار امام (ره) و آقای طالقانی نگاهمان می‌کنند، پنج‌بار تختی با چشم‌های نافذ پهلوان سرشتش از روی کمد ما را می‌پایند. مصدق هفت‌بار از تنوی معروف‌ترین عکس‌های زندگی‌اش، از میان شولا و عبایش، نگاهمان کرد. با دیدگان نگران عصابه‌دست همه‌جا نشسته است. فرخی یزدی هم در عکس قدیمی نشسته و چشم دوخته به چشم دیوان‌نویس زندان. بازرگان و بهشتی از روی دیوار و در کمد چاپخانه تواضع هرروز مردی را می‌پایند که در آستانه هشتادوپنج سالگی همچنان چاپ می‌زند روزگار را. اینان قهرمانان زندگی حاج‌آقا هستند که پشت سرش ردیف شده‌اند و انگار به پشتوانه آنان است که زندگی را قدم می‌زند. حاج‌آقا ناصر کلاری چاپخانه‌دار پله نوروزخان، اعلامیه‌های انقلاب را چاپ می‌کرده و انقلاب را شانه‌به‌شانه حوادث تجربه کرده است. صدای چاپ می‌آید، دلهره‌آور برای من و برای حاج‌آقایس‌زمینه و ریتیم زندگی‌اش. عادی مثل نفس کشیدن و پلک زدن. حاج‌آقا بزرگ بازار چاپخانه‌داران است و انگار محرم و دلگرمی و چشم امید زندگی خیلی‌ها. ناگفته‌هایی را که می‌گوید ننویس، نمی‌نویسم.

حاج ناصر کلاری آرام، تاریخ سیار چاپچی‌های انقلاب است. روزگار مصدق را درک کرده و این طور که می‌گوید هنگامی که آیت‌الله کاشانی از لبنان آمده، از قلمه‌مرغی تا پامناز همراه دیگران ماشینش را هل داده است. گروه سرود بچه‌های نیکان را روز ورود امام خمینی (ره) به بهشت‌زهرارسانده. وصیت‌نامه مصدق را هرروز در جیب بغلش می‌گذارد و هرجا کمکی می‌خواهد کند، دفترچه‌ای قدیمی را از جیبش بیرون می‌آورد و صفحه‌ای را باز می‌کند و به نیت اسامی که آنجا نوشته، کمک می‌کند، از چهارده معصوم بگیرد تا بزرگان تاریخ ایران و جهان، از مصدق تا جواهر لمل نهرو.

آرام و یواش برپیمان از نگفته‌های صنف چاپخانه‌داران می‌گوید. برپایتان به همان ترتیب که می‌گوید، تعریف می‌کنم:

### ■ قهرمان حاج‌آقا

یکبار رفتم منزل دکتر مصدق. هفت نفر بودیم. همراه حاج‌محمود مانیان که بزرگ بازار بود و همه‌اش زندان بود. یک سال از نخست‌وزیری مصدق می‌گذشت. مصدق با لیوان‌های بزرگ پر از شربت از ما پذیرایی کرد. محمود مانیان عکس مصدق را در قاب خاتم قاب کرده بود و در کاغذ گراپ پیچیده بود. وقتی مصدق آن را باز کرد و عکس خودش را دید، خیلی ناراحت شد. شروع کرد به نصیحت کردن. گفت: «من راضی نیستم کسی در حیات و مماتم عکس و مجسمه و شمایل من را بزند به درودیار.» مصدق اینقدر آدم بزرگی بود. سید ضیاء انگلیسی خالص بود و به مجلس رفت. مصدق هم شده بود نفر اول تهران. باید اعتبارنامه را هم تایید می‌کردند. تنها کسی که مخالفت کرد مصدق بود. من اعلامیه‌اش را چاپ کردم. گفته بود: «چرا مردم به سیدالشهدا علاقه‌مندند؟ چون جان خود را فدای امت کرد. پس من هم که سگ آستان آن حضرمتم باید به آقا و مولای خود تأسی کنم و برای خیر این جامعه هر نوع فحش و ناسزا را بشنوم. مگر نبود که مدرس در این مجلس سیلی خورد؟ مگر مدرس شربت شهادت ننوشید؟ من هم دست کمی از او ندارم و برای شهادت آماده‌ام.»

### ■ اعلامیه‌های یواشکی

زمان ازهاری حکومت‌نظامی اعلام کرده بودند، با بهترین کارگرم فریدون کامیاب چاپخانه را بستیم. ماشین چهار ورقی داشتیم، ده هزار عکس از امام خمینی (ره) را مخفیانه چاپ کردم، عکسی که از نجف آمده بود و زیرش نوشته بود «سماحه الامام الخمینی». هیچ کس حتی برادرم خبر نشد. وقتی زمان بختیار اعلام کردند آیت‌الله طالقانی آزاد شده، یک عکس نه‌تایی بستم روی مقوای صد در هفتاد. روی برفک ماشین‌ها می‌گذاشتم تا سرتاسر تهران پوشش داده شد. زیر عکس نوشته بودم: ۱۷ دی ۱۳۵۷. اصناف و پیشه‌وران و بازرگانان بازار تهران. هنوز نمونه‌اش زیر میز مسجد قبا هست که خیلی کهنه شده. اعلامیه‌های جامعه روحانیت مبارز، جبهه ملی، نهضت آزادی، چله‌گیری شهدا و اعتصاب‌ها را چاپ می‌کردم.

### ■ مسجد امام...

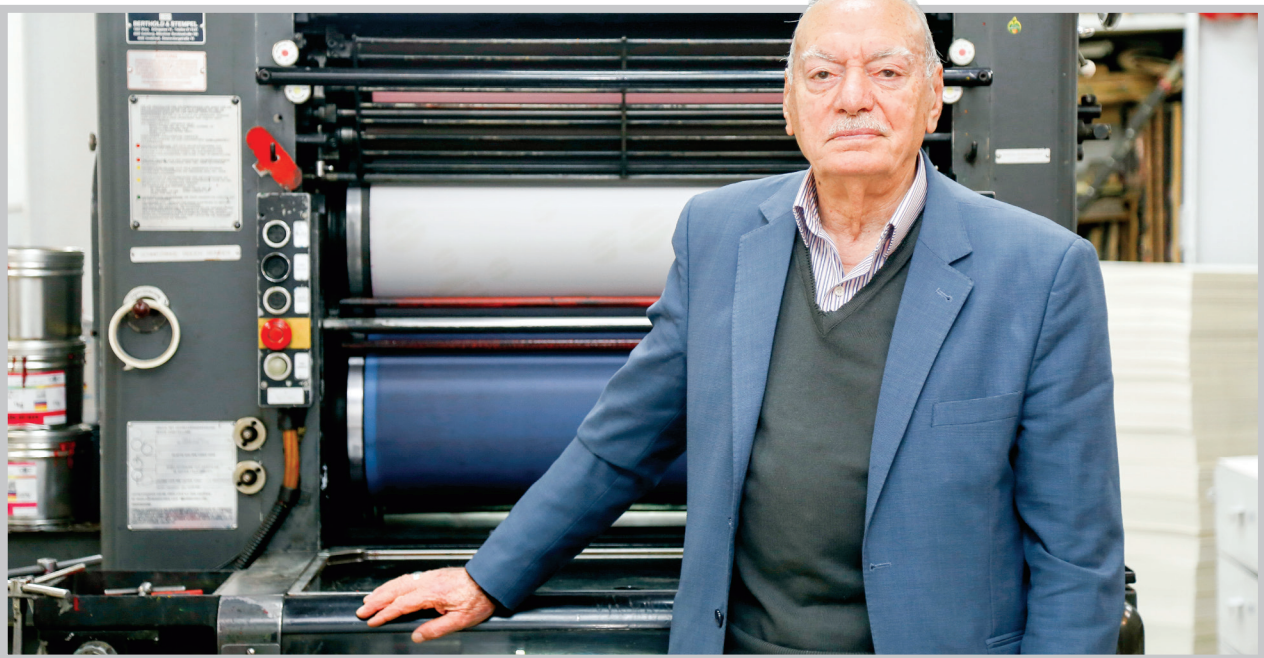
وقتی شهید طالقانی آزاد شد، بازار را بستند. از گل‌فروشی زعیم میدان «حر» معجانی دو وانت گل بردیم منزل ایشان و همه جاگل پخش کردیم. قرار بود میتینگ داخل بازار باشد که آقا گفتند از بازار بیایردی بیرون، ممکن است آتش بزنند و مردم خسارت ببینند. ما هم شبانه مسجد شاه را سیم کشی کردیم و محمد خلیل‌نیا از پشت میکروفون اعلام کرد که میتینگ در مسجد امام خمینی (ره) است و به این ترتیب مسجد شاه شد مسجد امام خمینی (ره). دو عکس بزرگ از امام خمینی (ره) و آقای طالقانی چاپ کردم و سینه‌کش مسجد نصب کردم. یکبار اعلامیه‌ارزش را چاپ کردم‌و خودم برای تحویل دادش رفتم. در خیابان تکابن،

## ویس‌شتره

دهمبارک فجر

حاج ناصر کلاری، چاپخانه‌دار راوی انقلاب

# تکثیر انقلاب در پله نوروز خان



وقتی زمان بختیار اعلام کردند آیت‌الله طالقانی آزاد شده، یک عکس نه‌تایی بستم روی مقوای صد در هفتاد. روی برفک ماشین‌ها می‌گذاشتم تا سرتاسر تهران پوشش داده شد. زیر عکس نوشته بودم: ۱۷ دی ۱۳۵۷

عکس: علیرضا یوزبی

محاصره کرده‌اند. آمدم و دخترم را بغل کردم و به‌عنوان آدم عادی از مقابل چاپخانه رد شدم تا ببینم چه خبر است. البته همانجا شک کرده بودند به من. خانام را هم محاصره کرده بودند. یک روز که آمدم نان بگیرم، بالاخره دستگیرم کردند.

### ■ انفرادی

چهار پنج بار زندان رفتم. اول بار ۴۵ روز. دوم‌بار، نه ماه که هشت ماهش انفرادی بودم. سوه‌بار، یک‌سال... یک‌بار ده‌فرویدین سال ۲۲ بازداشت شدم و رقتم شماره چهار زندان قصر. روز جمعه‌اش رفته بودیم قم منزل امام خمینی (ره). همان وقت‌ها که طالعاب را از پشت بام می‌رانداختند پایین. آقا گفتند بازار را ببینید. بازار را از سرچشمه تا همین جا بستیم. سر ظهر بود که جلوی پله نوروزخان ایستاده بودم، ماشین بنز پلیس آمد و بازداشتم کردند. در بازجویی پرسیدند چه کاره‌ای؟ گفتم لوازم‌التحریر می‌فروشم. گفتند دیگر چه کار می‌کنی؟ گفتم از این دفتر‌ها هم می‌فروشم. گفتند دیگر چه؟ گفتم دفتر هم چاپ می‌کنم. گفتند از اول بگو چاپخانه‌داری و اعلامیه‌چاپ می‌کنی، چرا لقمه‌رو می‌چرخونی؟ بردندم قزل قلعه. یک روز شروع کردند به آزاد کردن. از ۲۵۰ نفر، ۲۴۸ نفر را آزاد کردند. ماندیم دو نفر. تا شب آن یک نفر را هم آزاد کردند و به من گفتند چون سیاسی هستی باید بمانی. بعد تعهد می‌گرفتند که از تهران خارج نشویم. سرهنگی بود که نصیحت می‌کرد و می‌گفت بروید دنبال کار و زندگی‌تان. گفتم می‌خواهیم برویم اما قانون اجرا نمی‌شود و آزادی نداریم. زدو توی گوشم. این اولین و آخرین کتکی بود که در زندان خوردم و هشت ماه بردندم انفرادی.

انفرادی بودم که تولد امام حسین (ع) شد. به سرپای گفتم برایم نقل بخر. نقل را ریخته بودم توی بشقاب. رئیس زندان که هرروز می‌آمد سر می‌زد، نقل تافراش کردم. گفتم نقل امام حسینیه. یکی خورد و بعد همانجا گفت این را ببرید عمومی. خلاصه نقل امام حسین (ع) کار خودش را کرد.

نزدیک خانه شهید طالقانی، در اعلامیه نوشته شده بود که ارتش به‌ملت می‌پیوندد. اعلامیه‌ها را خیلی عادی تحویل گرفتند. بعد از انقلاب متوجه شدم که آنجا از مراکز ساواک بوده و اینقدر عادی رفتار شده بود که من متوجه نشدم. روز پیروزی انقلاب دانشگاه بودیم و چاپ کرده بودیم که «خورشید تنها یک‌بار از غرب طلوع می‌کند». بسیاری از کارهای چاپی را ما انجام دادیم.

### ■ آخرین واو...

وقتی جنازه رضاخان را از مصر آوردند، در سال ۱۳۲۶ اعلامیه فداییان اسلام را من و پسر خاله‌ام که اوستاکارم بود چاپ کردیم. بالای اعلامیه فداییان اسلام نوشته بود هوالعزیز. حروف هوالعزیز ۳۶ بود. اینقدر سوزن داخل واو آخر کردیم و مرکب درآوردیم که کمی گشاد شد و از حالت استاندارد خارج شد. شهربانی متوجه این مسئله شد و تک‌تک چاپخانه‌ها را می‌گشت تا ببیند کدام چاپخانه همچین حرفوی دارد و این اعلامیه را کی چاپ کرده. یک روز آمدند چاپخانه ما. رئیس گفت هرچی حروف ۳۶ دارید و کارسه را بکشید بیرون و واوهای آخر را دسته کنید. ما هم حروف را دسته کردیم. گشت و گشت تا بالاخره واو آخر گشادشده را پیدا کرد و گفت: «این همون واو آخر هوالعزیز اعلامیه است.» پسر خاله‌ام را بردند شهربانی. نیم‌ساعته برگشت. پرسیده بودند این مال شماست، گفته بود نه. آنها هم پیگیر نشده بودند و آزادش کردند.

### ■ بازداشت

سال ۱۳۴۱ بود، هنوز ۱۵ خرداد نشده بود. اعلامیه‌ای که چاپ کردیم لو رفته بود. من اوشون بودم که خبردار شدم چاپخانه را

### رفته بودیم قم منزل

### امام خمینی (ره). آقا

### گفتند بازار را ببندید.

### بازار را از سرچشمه تا

### همین جا بستیم. سر

### ظهر بود که جلوی پله

### نوروزخان ایستاده

### بودم، ماشین بنز

### پلیس آمد و بازداشتم

### کردند

## انقلاب درمان در تامین اجتماعی

فرخ ملکوندفر، مشاور ارشد مدیرعامل و نماینده سازمان تامین اجتماعی در پیگیری و هماهنگی امور برنامه ششم توسعه، در گفت‌وگو با آتیه‌نو از نقش بی‌بدیل این سازمان در حوزه بهداشت و درمان می‌گوید و خاطر نشان می‌کند: «خدمات درمانی تامین اجتماعی بخشی از تاریخ این سازمان است. بخش بیمه درمان جزو حوزه تامین اجتماعی پایه (شامل باز نشستگی، از کار افتادگی و...) است و بر استقرار نظام جامع و یکپارچه تامین اجتماعی تاکید دارد.» ملکوند به پیشینه درمان تامین اجتماعی در دوران قیل و پس از انقلاب اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «در سال ۱۳۵۵ موضوع ارائه بیمه خدمات درمانی چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم از سازمان تامین اجتماعی منفک شد و درمان غیر مستقیم به سازمان تامین خدمات درمانی وقت و درمان مستقیم (شامل بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها) به وزارت بهداشتی و به‌زیربستی وقت منتقل شد، اما در عمل این طرح موفق نبود و در نهایت در سال ۱۳۶۸ با تصویب مجلس شورای اسلامی و با اجرائی شدن قانون الزام سازمان تامین اجتماعی بر اجرای بندهای «الف» و «ب» ماده ۲ قانون تامین اجتماعی، کلیه بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها (درمان مستقیم) و همچنین مسئولیت درمان غیر مستقیم به سازمان تامین اجتماعی اعاده شد.»

درمانگاه و پلی کلینیک، ۴ دی کلینیک و ۲۹۳ مرکز بهداشتی و درمانی، توانسته در زمره جایگاه‌های نخست خرید خدمات بهداشتی و درمانی کشور قرار بگیرد. در سایر استان‌های محروم کشور هم آمار ارائه خدمات درمانی مستقیم و غیر مستقیم خیره‌کننده است. مجموع این آمارها روایت مستندی از تلاش‌های درمان تامین اجتماعی برای توسعه عدالت درمانی و رسیدگی به مناطق محروم در دوران پس از انقلاب است.

### ■ بخشی از تاریخ یک سازمان

پیش‌تر دکتر سید تقی نوربخش، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، در گفت‌وگو با آتیه‌نو به نقش پررنگ این سازمان در دوران پس از انقلاب و به‌خصوص در دوران جنگ تحمیلی اشاره کرده و یادآور شده بود: «این سازمان در دوران دفاع مقدس هم از نظر تامین منابع لازم برای هزینه‌های دفاعی و هم به لحاظ همکاران مشاغل متنوع پزشکی براساس راهبردهایی که وجود داشت، گام‌های بزرگی برداشت. بیمارستان‌های سازمان تامین اجتماعی نیز از آن دوران مسئولیت بیشتری داشتند و از جمله مراکز اصلی درمان مجروحان بودند.»

درمان تامین اجتماعی در نقاط محروم کشور پررنگی داشت و تلاش کرد با ارائه خدمات درمانی مستقیم و خرید خدمت‌گامی عملی در تحقق «عدالت در سلامت» بردارد. آمارهای رسمی نشان می‌دهد ساکنان استان‌های محروم به نسبت بسیاری از مناطق برخوردار کشور، سهم بیشتری از خدمات درمانی این سازمان داشته‌اند. به طور مثال، در استان سیستان و بلوچستان، به‌عنوان محروم‌ترین استان کشور، حدود ۲۵ هزار بیمار در مراکز ملکی این سازمان در سال ۹۴ بستری شده‌اند که این آمار از استان‌های فارس، قم، گیلان، کرمانشاه، سمنان، زنجان و البرز بالاتر است. به بیان دیگر، بر اساس آمارهای رسمی سالنامه آماری سازمان تامین اجتماعی، ساکنان استان محروم سیستان و بلوچستان بسیار بیشتر از بیمه‌شده‌های بسیاری از استان‌های کشور از خدمات بستری سازمان تامین اجتماعی بهره‌برده‌اند.

در حوزه خرید خدمات درمانی هم این سازمان در طول چند دهه پس از انقلاب تلاش کرده از آرمان‌های عدالت‌خواهی علول نکند. به طور نمونه، آخرین آمارهای اعلام‌شده حاکی از آن است که در استان سیستان و بلوچستان، تعداد مراکز طرف قرارداد با سازمان خیره‌کننده است. تامین اجتماعی این استان ضمن قرارداد با ۱۸ بیمارستان، ۴۲